

نقد و بررسی فرهنگ معاصر عربی - فارسی

بهرز صفزاده

به نظر نگارنده در میان فرهنگ‌های عربی - فارسی متعددی که امروزه موجودند فرهنگ معاصر عربی - فارسی (براساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور)، تألیف آذرتاش آذرنوش، بهترین است. در این فرهنگ، واحدهای واژگانی به شیوه سنتی فرهنگ‌های عربی براساس ریشه آرایش یافته‌اند؛ یعنی مثلاً راکب، مرکوب، رکاب، رکوب، مرکب، و ترکیب زیر ماده «رکب» آمده‌اند. کوشش مؤلف محترم و دستیاران وی در ویرایش چاپ نخست و به‌دست دادن ویراست جدید ستودنی است. باین‌حال، همچنان کاستی‌هایی در این اثر به‌چشم می‌خورد که امیدوارم در ویراست بعدی برطرف شود. در زیر به این کاستی‌ها اشاره می‌شود:

معادل‌گذاری

اصولاً مؤلفان فرهنگ‌های عربی - فارسی در معادل‌گذاری برای واژه‌ها و اصطلاحات عربی، در کنار استفاده از شم زبانی خود، باید از فرهنگی فارسی به فارسی و معتبر نیز استفاده کنند تا معادل‌هایشان هرچه طبیعی‌تر و واقع‌بینانه‌تر باشند. این‌جانب فرهنگ بزرگ سخن یا فرهنگ روز سخن را برای این کار مناسب می‌دانم.

حرکت‌گذاری

در این اثر، حرکت‌گذاری و آوانویسی واژه‌ها یکدست و هماهنگ نیست و متأسفانه در بسیاری موارد هم نادرست یا نادقیق است. پیشنهاد می‌کنم آوانویسی لاتین واژه‌ها

حذف شود و در عوض، حرکت‌گذاری آن‌ها دقیق و یکدست گردد. همچنین پیشنهاد می‌کنم قبل از مصوت‌های بلند (ا، و، ی)، فتحه و ضمه و کسره گذاشته نشود، زیرا حشو است؛ مثلاً حَامِل، حَدِيد، قِيَام و نور بنویسیم، نه حَامِل، حَدِيد، قِيَام و نُور. این رسم‌الخط معقول و پسندیده در متن قرآن کریم با ترجمه غلامعلی حداد عادل به کار رفته است.

ذکر نکردن مصدر

در این فرهنگ، به تبع متن عربی - انگلیسی، مصدر بعضی فعل‌ها ذکر نشده است. انتظار می‌رود که همه‌جا مصدر فعل آورده شود. چند نمونه از فعل‌هایی که مصدرشان ذکر شده است: اُدَّبُ يَأْدُبُ اُدْبًا؛ بَصَمَ يَبْصِمُ بَصْمًا؛ حَسَنَ يَحْسُنُ حُسْنًا؛ دَبَقَ يَدْبِقُ دَبْقًا؛ دَبَكَ يَدْبِكُ دَبْكًا؛ رَقَصَ يَرْقُصُ رَقْصًا؛ صَلَعَ يَصْلَعُ صَلْعًا؛ صَلَفَ يَصْلَفُ صَلْفًا
چند نمونه از فعل‌هایی که مصدرشان ذکر نشده است: اَقَّ يَأْوُقُ [أوق]؛ اَدَّ يَأْوُدُّ / يَأْدُدُّ [أد]؛ اَذِنَ يَأْذِنُ [أذن]؛ بَصَقَ يَبْصُقُ [بصق]؛ رَقَشَ يَرْقُشُ [رقش]؛ دَمَسَ يَدْمَسُ [دمس]؛ عَتَكَ يَعْتِكُ [عتك و عتوك]

اشتباهات

متأسفانه اشتباهات ریز و درشت بسیاری به متن کتاب راه یافته است که اغلبشان در متن عربی - انگلیسی فرهنگ وجود ندارند و مؤلف محترم نیز باکمال تواضع پیشاپیش از این بابت عذر خواسته است (پیش‌گفتار، ص چهارده). اینک مواردی را که دیده‌ام می‌آورم، با این توضیح که «هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری». آنچه پس از نشانه ○ آمده مندرجات فرهنگ معاصر عربی - فارسی و آنچه پس از نشانه ● آمده پیشنهادهای نگارنده است:

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ○ نُقِيمَه. | ● دِیَاچِه بر چاپ بازیابی شده |
| ● نُعِيمَه. | (ص پنج، ستون راست، س ۱) |
| ○ پیش‌گفتار (ص هشت، ستون راست، س ۲۲) | ○ فرهنگ معاصر عربی به فارسی |
| ○ <i>Schriftsprache</i> و <i>Wörterbuch</i> | ● فرهنگ معاصر عربی - فارسی. |
| ● <i>Schriftsprache</i> و <i>Wörterbuch</i> | ○ پیش‌گفتار (ص هشت، ستون راست، س ۱) |
| ○ أ (ص ۱، ستون راست، س ۵) | ○ اوده واسیلیوا (Odé Vassiliva). |
| ○ سِوَاء... أَم | ● اوده - واسیلیوا (Odé-Vassilieva). |
| ● سِوَاء... أَم... | ○ پیش‌گفتار (ص هشت، ستون راست، س ۷) |

- **أ** (ص ۱، ستون راست، س ۷)
 ○ سیوَاءُ أَجَاءُ أَمْ.
 ● سَوَاءٌ أَجَاءُ أَمْ لَا.
- **أَب** (ص ۱، ستون راست، س ۱۷)
 ○ أُبِّيُّهُ.
- فعل أَبُّ (مشتاق شدن) لازم است و مفعول نمی‌گیرد. حرکت عین‌الفعل مضارع آن نیز مشخص نشده‌است. بنابراین أَبُّ يُوْبُّ باید ثبت شود. پیشنهاد می‌کنم همه جا فعل مضارع با املائی کامل نوشته شود، نه اینکه حرکت عین‌الفعل مضارع آن را روی خط تیره نشان دهند. مثلاً وقتی می‌نویسند «دَارَ لُ» شاید برای خواننده دشوار باشد که بفهمد منظور «دَارَ يَدُورُ» است. این روش مناسب در فرهنگ الرائد جُبران مسعود به کار رفته‌است: جَمَعَ يَجْمَعُ، بَدَأَ يَبْدُو، رَجَا يَرْجُو، رَجِمَ يَرْجِمُ، رَضِيَ يَرْضَى، حَلَّ يَحْلُلُ، بَدَأَ يَبْدَأُ.
- **أَبَد** (ص ۱، ستون چپ، س ۴)
 ○ أَبَدَ -
 ● أَبَدَ يَأْبُدُ باید ثبت شود (حرکت عین‌الفعل مضارع کسره است).
- **أَبَد** (ص ۱، ستون چپ، س ۱۳)
 ○ أَبَدَ الْأَبْدِينَ.
 ● أَبَدَ الْأَبْدِينَ.
- **أَبَد** (ص ۱، ستون چپ، س ۱۵)
 ○ الْأَبْدَى: بی‌پایان، جاودانی.
 ● الْأَبْدَى: ابدیت، جاودانگی.
- **أَبَر** به بعد (ص ۱ به بعد)
 ● در املائی واژه‌هایی مانند إبالة، إبرة، إبریز، إبریم، إبلیس و إقلیم، که حرف اول مکسور است، همزه باید زیر کرسی قرار بگیرد، نه روی آن.
- **أَبَض** (ص ۲، ستون راست، س ۱۹)
 ○ مَأْبِضٌ (به فتح «ب».)
 ● مَأْبِضٌ (به کسر «ب».)
- **أَبْط** (ص ۲، ستون راست، س ۲۶)
 ○ إِبْطُ: زیر بغل.
 ● در متن عربی - انگلیسی اشاره شده که واژه «إبْط» مذکر و مؤنث است، همچنان‌که در مورد «طریق» و «لسان» و «جحیم» چنین کرده‌اند.
- **أَبَه** (ص ۲، ستون چپ، س ۱۴)
 ○ أَمْرٌ لَا يُؤْتِيهِ لَه: غیر قابل توجه، بی‌اهمیت، چیزی که شایسته توجه نیست.
 ● أَمْرٌ لَا يُؤْتِيهِ لَه: چیز بی‌اهمیت.
- **أَبُو** (ص ۲، ستون چپ، س ۳۰)
 ● زیر مدخل «أَبُو النَّوْم» سر سطر بیاید و بعد از «أَبُو عُمَرَ» قرار بگیرد.
- **ابونیت** (ص ۳، ستون راست، س ۱)
 ○ ابونیت: کائوچوی سیاه.
 ● ابونیت (فر. ébonite): کائوچوی سیاه، ابونیت.
- **أَبِي** (ص ۳، ستون راست، س ۱۲)
 ○ تَأْبِي: ابا کردن، فرو نهادن.
 ● تَأْبِي: ابا کردن، خودداری کردن، سر باز زدن.
- **أَنُون** (ص ۳، ستون راست، س ۲۶)
 ○ ج. أَئْن، أَتَانِين.
 ● ج. أَئْن، أَتَاتِين.
- **أَتَى** (ص ۳، ستون چپ، س ۱۲ و ۱۳)
 ○ کما یأتی: آن‌چنان‌که در زیر مذکور است، عبارت است از...
 ● کما یأتی: از این قرار است، به قرار زیر، به شرح زیر، عبارت است از...
 ○ **أَخْر** (ص ۹، ستون راست، س ۲۶)
 ○ أخيراً: اخیراً، تازگی.

- اخیراً: سرانجام، بالاخره، عاقبت؛ اخیراً، به‌تازگی، تازگی.
- **أَنی** (ص ۳۲، ستون راست، س ۸ از آخر)
○ اُنّی مَ: ...
● اُنّی یأُنّی (أُنّی و أُنّاة): ...
- **أَنی** (ص ۳۲، ستون چپ، س ۱۲)
○ ظروف غذاخوری؛ یقلبی (نظ.).
● ظروف غذاخوری؛ یغلاوی، یغلووی (نظ.).
- **بِحِر** (ص ۴۳، ستون چپ، س ۱)
○ بحر میت.
● بحرالْمیت.
- **بِحِر** (ص ۴۳، ستون چپ، س ۱۷)
○ کارکنان هواپیما.
● خدمه هواپیما.
- **بِخِر** (ص ۴۴، ستون راست، س ۱۵)
○ بُخُور.
● بَخُور (به فتح «ب»).
- **بِخِر** (ص ۴۴، ستون راست، س ۱۶)
○ بُخُورُ مریم: پنجه مریم، گلی سیکلانی (گیا).
● بَخُورُ مریم: پنجه مریم، سیکلامن، سیکلمه، نگون سار (گیا).
- **بِخِر** (ص ۴۴، ستون راست، س ۱۷)
○ أَبخِر: نفس گرفته، کسی که دچار تنگی نفس است.
● أَبخِر: کسی که دهانش بوی بد می‌دهد، گنده‌دهان.
- **بِداً** (ص ۴۵، ستون چپ، س ۱۶)
○ إبتدائی.
● إبتدائی.
- **بِدر** (ص ۴۶، ستون راست، س ۲۶)
○ بَدْرَاتُ الأموال: مبالغ سنگینی پول.
● بَدْرَاتُ الأموال: مبالغ هنگفتی پول.
- **بِدع** (ص ۴۶، ستون چپ، س ۲۶)
○ أْبْدَع: شگفت‌ترین، نوآیین‌ترین؛ اصلی‌ترین.
● أْبْدَع: بدیع‌تر، شگفت‌تر، شگفت‌ترین؛ اصیل‌تر، اصیل‌ترین.
- **بِرِط** (ص ۵۶، ستون راست، س آخر)
○ چبرنط.
● برنط.
- **بِسِق** (ص ۵۹، ستون چپ، س ۲)
○ بَسُوق.
● بُسُوق (به ضم «ب»).
- **بِقِلو** (ص ۷۰، ستون راست، س ۶ و ۷)
○ بَقْلَاوَة، بَقْلَاوَا: نوعی شیرینی ترکی، نوعی شیرینی که از خمیر برآمده و عسل و بادام یا پسته پزند.
● بَقْلَاوَة، بَقْلَاوَا: باقلوا.
- **جَعَل** (ص ۱۳۷، ستون راست، س ۱۰)
○ جَعَلُ: ... قلاب‌بالان.
● جَعَلُ: ... قاب‌بالان.
- **جَعَم** (ص ۱۴۶، ستون چپ، س ۸)
○ جامع: ...؛ مسجد.
● جامع: ...؛ ج. جوامع: مسجد.
- **جَعَل** (ص ۱۴۸، ستون راست، س ۱۴)
○ بَوَجِهَ الإجمال.
● بَوَجِهَ الإجمال.
- **جَعَن** (ص ۱۴۹، ستون راست، س ۱۱)
○ لِالجُنُونُ فُنُونٌ.
● الجُنُونُ فُنُونٌ.
- **جَنب** (ص ۱۴۹، ستون چپ، س ۲۷)
○ جُنوبی.
● جُنوبی (به فتح «ج»).
- **جَوَت** (ص ۱۵۷، ستون راست، س ۲۱)
○ جُوت (از انگ. jüt) ...

- جوت (از انجوت) ... (ص ۱۶۲، ستون چپ، س ۱۷)
- جین: کرس، شکم‌بند بلند.
- جین: شکم‌بند بلند، گن.
- حبل (ص ۱۶۶، ستون چپ، س ۱۶)
- حبل السری.
- الحبل السری.
- حبل (ص ۱۶۶، ستون چپ، بعد از س ۱۶)
- افزوده شود: حبل الورد: سیاه‌رگ گردن، رگ گردن.
- حرر (ص ۱۷۸، ستون چپ، س ۳ از آخر)
- حار: ... مرقّة حارّة: سس تند.
- حار: ... صلصة حارّة: سس تند.
- حرق (ص ۱۸۴، ستون راست، س ۸)
- احتراق: سوزاندن؛ آتش‌زنی، آتش‌سوزی.
- احتراق: سوختن، احتراق؛ آتش‌سوزی، حریق.
- حرک (ص ۱۸۴، ستون چپ، س ۲۹)
- حرّاک: حرکت؛ پویا، فعال، بالنده، جنبش.
- حرّاک: حرکت، جنبش، تکان.
- حمز (ص ۲۲۱، ستون راست، س ۲۵)
- حمَزَ یَحْمِزُ: ...
- حمَزَ یَحْمِزُ حمز: ...
- حمی (ص ۲۲۵، ستون راست، س ۱۳)
- هیأة المُحَامَاة.
- هیئة المُحَامَاة.
- خان (ص ۲۴۱، ستون چپ، س ۳)
- صحنه شطرنج.
- صفحه شطرنج.
- خرفاش (ص ۲۵۳، ستون راست، س ۲۰)
- خرفوشة، ج. خرافشیف.
- خرفوشة، ج. خرافیش.
- خنزور (ص ۲۸۶، ستون چپ، س آخر)
- خَنَازیر: خنازیری، مربوط به خنازیر.
- خَنَازیری: خنازیری، مربوط به خنازیر.
- دشَن (ص ۳۰۷، ستون چپ، س ۱۰ از آخر)
- مَعْرَض.
- مَعْرَض (به کسر «ر»).
- دفأ (ص ۳۱۰، ستون چپ، س ۴ از آخر)
- تَدْفِئَة: گرمادهی، تولید گرما.
- تَدْفِئَة: گرمادهی، تولید گرما، گرمایش.
- دویت (ص ۳۲۳، ستون راست، س ۱۸)
- دویت: دویتی.
- دویت: رباعی.
- زنجیر (ص ۴۱۸، ستون راست، س ۱۸ و ۱۹)
- زَنجیر: زنجیر.
- زَنجیر (به کسر «ز»): زنجیر.
- زهر (ص ۴۱۹، ستون چپ، س ۲۷)
- زَهَار: گل فروش.
- زَهَار (به فتح «ز»): گل فروش.
- سوندیب (ص ۴۴۹، ستون چپ، س ۱۴)
- سَوْنَدِیب.
- سَوْنَدِیب (به فتح «س» و «ر»).
- سکت (ص ۴۵۹، ستون چپ، س ۶)
- سَكَّتَ عَنهُ الْعُضْبُ: خشمش را فروخورد.
- سَكَّتَ عَنهُ الْعُضْبُ: خشمش فروکش کرد.
- سلَم (ص ۴۶۸، ستون چپ، س ۵ از آخر)
- سَلْمٌ مُتَحَرِّكٌ: پلکان متحرک.
- سَلْمٌ مُتَحَرِّكٌ: پله‌برقی.
- سمسار (ص ۴۷۳، ستون چپ، س ۷)
- سِمَسَارُ الْأَسْهُمِ: واسطه‌گر سهام.
- سِمَسَارُ الْأَسْهُمِ: دلال سهام، کارگزار بورس.
- سمنجونی (ص ۴۷۵، ستون چپ، س ۱۹)

- سَمَنْجُونِي: به رنگ آسمانی، نیلگون، آسمان‌گون.
- سَمَنْجُونِي: آبی آسمانی، نیلگون، نیلی.
- شَشْخَان (ص ۵۲۰، ستون چپ، س ۱۷ و ۱۸) ○ شَشْخَان.
- شَشْخَان (به فتح اول و دوم).
- شَشْنِي (ص ۵۲۰، ستون چپ، س ۲۳) ○ شَشْنِي.
- شَشْنِي (به کسر اول).
- شَقَق (ص ۵۳۱، ستون راست، س ۱۵) ● «شَقَّ شَارِعاً...» تکرار سطر اول است؛ حذف شود.
- شَقَق (ص ۵۳۱، ستون چپ، س ۱۰) ○ شَقَّة: شکاف، چاک، ...
- شَقَّة (به فتح اول): شکاف، چاک، ...
- شَكَل (ص ۵۳۴، ستون چپ، س ۳) ○ شَكَلِيَّة: ... فورمالیسم.
- شَكَلِيَّة: ... فورمالیسم.
- شَلَل (ص ۵۳۵، ستون چپ، س ۳ از آخر) ○ الشَّلَلُ الْإِهْتِزَازِي: ... لغوه.
- الشَّلَلُ الْإِهْتِزَازِي: ... لقوه (با «ق»).
- صَحْح (ص ۵۵۸، ستون راست، س ۳ از آخر) ○ أصْحاح، إصْحاح: نام ابواب کتاب مقدس.
- أصْحاح، إصْحاح: هریک از باب‌های کتاب مقدس.
- صَنْدُوق (ص ۵۸۴، ستون راست، س ۱۳) ○ صَنْدُوق: ...
- صَنْدُوق، ج. صَنْدَاقِي: ...
- طَنْجَرَه (ص ۶۳۴، ستون چپ، س ۶ از آخر) ○ طَنْجَرَة: کماجدان، دیگچه (مسی دسته‌دار).
- طَنْجَرَة: کماجدان، دیگچه (مسی دسته‌دار)؛ قابلمه.
- غِيْر (ص ۷۷۰، ستون چپ، س ۱۱) ○ تَغْيِير، ج. تَغَايِير: ...
- تَغْيِيرَة، ج. تَغَايِير: ...
- غِيْر (ص ۷۷۰، ستون چپ، س ۱۹) ○ يَطْرَأُ عَلَيْهِ تَغْيِيرٌ: تغییری در آن داده می‌شود.
- يَطْرَأُ عَلَيْهِ تَغْيِيرٌ: تغییری در آن پدید می‌آید.
- غِيْر (ص ۷۷۰، ستون چپ، س ۲۰) ○ مُغَايِرٌ لِالْأَدَابِ: غیراخلاقی، خلاف آیین عموم.
- مُغَايِرٌ لِالْأَدَابِ: غیراخلاقی، زشت.
- غِيْر (ص ۷۷۰، ستون چپ، س ۲۳) ○ تَيَّارٌ مُتَغَيِّرٌ: جریان متغیر.
- تَيَّارٌ مُتَغَيِّرٌ: جریان متناوب.
- غِيْن (ص ۷۷۱، ستون چپ، س ۱۱) ○ غَيْبَة: فرورفتگی روی گونه.
- غَيْبَة: فرورفتگی گونه، چال.
- غِيْن (ص ۷۷۱، ستون چپ، س ۱۲) ○ خَنْزِيرٌ غَيْبِي: خوک هندی.
- خَنْزِيرٌ غَيْبِي: خوکچه هندی.
- فَسَق (ص ۷۹۵، ستون چپ، س ۲ از آخر) ○ دَوْرُ الْفِسْقِ: روسپی‌خانه، فاحشه‌خانه.
- دَوْرُ الْفِسْقِ: روسپی‌خانه‌ها، فاحشه‌خانه‌ها.
- فَسَو (ص ۷۹۶، ستون راست، س ۱۸) ○ فَاسِيَاء: سوسک سرگین‌خور.
- فَاسِيَاء: سرگین‌غلطان، سرگین‌گردان، جُعَل.
- قَانُون (اوایل حرف «ق»)
- (ص ۸۲۱، ستون راست، س ۳ از آخر، و کل ستون چپ تا صفحه بعد)
- سرمدخل «قانون» و زیرمدخل‌های آن به ستون چپ صفحه ۸۸۰ (زیر ریشه «قنن») منتقل و در آن ادغام شود. این حشو و تکرار در متن عربی - انگلیسی هم وجود دارد.

- قمر** (ص ۸۷۸، ستون راست، س ۳ و ۴ از آخر)
 ○ قَمَرٌ يَقْمَرُ (قَمَر): نابینا شدن، دچار خیرگی شدن (مثلاً: در اثر نور شدید).
 ● قَمَرٌ يَقْمَرُ (قَمَر): دچار برف‌کوری شدن.
- قمر** (ص ۸۷۸، ستون چپ، س ۷ و ۸)
 ○ قَمَر: نابینایی (در اثر خیرگی شدید به برف)؛ ج. أقمار: ماه؛ سیاره (اختر.).
 ● قَمَر: برف‌کوری؛ ج. أقمار: ماه؛ قمر (اختر.).
- قمر** (ص ۸۷۸، ستون چپ، س ۲۷)
 ○ قَمیر، ج. أقمار: قمارباز.
 ● قَمیر، ج. أقمار: حریف قمار، قمارباز.
- کشح** (ص ۹۲۴، ستون چپ، س ۲۰)
 ○ كَشَح: ... کفل، سرو، باسن، پهلوی، کمر.
 ● كَشَح: ... کفل، سرین، باسن؛ پهلوی، کمر.
- کالف** (ص ۹۳۵، ستون چپ، س ۱۱)
 ○ كَالْفِي: چهارپادار، کرایه‌دهنده الاغ.
 ● كَالْفِي: چاروادار، چهارپادار، مکاری.
- کالف** (ص ۹۳۵، ستون چپ، س ۱۳)
 ○ أكلَف: ... کک‌وپیس‌دار.
 ● أكلَف: ... لک‌وپیس‌دار.
- لغز** (ص ۹۷۲، ستون راست، س ۱۲)
 ○ لَغَزُ الْكَلِمَاتِ الْمُتَقَاتِعَةِ: جدول متقاطع.
 ● لَغَزُ الْكَلِمَاتِ الْمُتَقَاتِعَةِ: جدول کلمات متقاطع.
- محو** (ص ۱۰۰۱، ستون چپ، س ۲ از آخر)
 ○ مَحُو الْأَمِيَّة: نابودسازی بی‌سوادی.
 ● مَحُو الْأَمِيَّة: ریشه‌کنی بی‌سوادی.
- مهرجان** (ص ۱۰۴۰، ستون راست، س ۶)
 ● افزوده شود: جشنواره.
- مورفین** (ص ۱۰۴۲، ستون چپ، س ۲۷)
 ● املائی سرمدخل باید مورفین باشد.
- یونیو** (ص ۱۲۵۵، ستون چپ، س ۲ از آخر)
 ● سرمدخل «یونیو» با قلم درشت‌تر و بدون تورفتگی باشد.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی (براساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور)، ویراست دوم، تهران، نشر نی.
- مسعود، جبران (۱۹۹۰)، الرائد، الطبعة السادسة، بيروت، دارالعلم للملایین.
- Wehr, Hans, and J. Milton Cowan (ed.) (1974), *A Dictionary of Modern Written Arabic* (Arabic-English), Third Printing, Wiesbaden, Otto Harrassowitz; Reprinted by Librairie du Liban, 1980.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی